**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه286– 30 /06/ 1399 عده‌ی حامل /مساله‌ی پانزدهم تکمله‌ی عروه** **/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد اتحاد یا تعددِ «جعفر بن سماعه» و «جعفر بن محمد بن سماعه» بود.

مرحوم تستری این دو عنوان را شخص واحد دانسته و «جعفر بن سماعه» را نام صحیح او می داند و «جعفر بن محمد بن سماعه» را که مرحوم نجاشی ذکر کرده است، اشتباه می داند. شاهد اشتباه مرحوم نجاشی این است که در هیچ یک از روایات، «جعفر بن محمد بن سماعه» وارد نشده است؛ فقط در دو سند در استبصار وارد شده است که کافی و تهذیب، سند آن دو روایت را به صورتِ «جعفر بن سماعه» ذکر کرده اند و در استبصار تحریف رخ داده است. در روایت دیگری، «جعفر بن محمد» ذکر شده بود که مرحوم تستری او را «جعفر بن محمد بن حکیم» دانست؛ زیرا راوی او «حسن بن موسی الخشاب» و مروی عنه او «کرّام» بود.

در روایتی «حسن بن موسی عن ابن سماعه» آمده است که ممکن است توهم شود، «حسن بن موسی» راوی از «جعفر بن سماعه» می باشد:

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ الزَّيَّاتِ عَنِ الْحَسَنِ‏ بْنِ‏ مُوسَى‏ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ‏ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَر[[1]](#footnote-1)

پاسخ این است که مراد از ابن سماعه در همه‌ی موارد «حسن بن محمد بن سماعه» می باشد و از شخص دیگری با تعبیر ابن سماعه یاد نمی شود. این روایت در غیبتِ شیخ طوسی با تعبیر «حسن بن سماعه» ذکر شده است. در بعضی کتب با تعبیر «علی بن سماعه» آمده است که غلط می باشد و راوی با نام «علی بن سماعه» نداریم.

بنابراین مواردی که «حسن بن موسی الخشاب» از ابن سماعه نقل می کند، مراد «حسن بن محمد بن سماعه» می باشد.

# کلام مرحوم آقای خویی

مرحوم آقای خویی بحث را ذیل عنوان «جعفر بن سماعه» بیان کرده است و می فرماید: در کافی یک مورد «الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ‏ عَمِّهِ‏ جَعْفَرِ بْنِ‏ سَمَاعَةَ» وارد شده است. مرحوم مجلسی در مرآت العقول اشاره کرده است که در اکثر نسخ، «عن عمه» وارد شده است. بنابراین «جعفر بن سماعه» عموی «حسن بن محمد بن سماعه» می باشد. اما در وافی که این روایت را از کافی نقل کرده است، بدون «عمه» ذکر کرده است و مرحوم فیض به عنوان تفسیر «جعفر بن سماعه»، «عن اخیه» ذکر کرده است.

مرحوم آقای خویی می فرماید: در روایاتی که «جعفر بن سماعه» در سند آن واقع شده است، اشکال شده است که معلوم نیست صحیحه باشد؛ زیرا ممکن است «جعفر بن سماعه» عموی «حسن بن محمد بن سماعه» باشد که توثیق ندارد. البته احتمال دارد که «جعفر بن محمد بن سماعه» باشد که نجاشی او را توثیق کرده است که این احتمال فایده ای ندارد و موجب تصحیح «جعفر بن سماعه» نمی شود.

مرحوم آقای خویی می فرماید: فقد يقال: إنه لا يمكن الحكم بصحة رواية كان في سندها جعفر بن سماعة، إذ من المحتمل أن يكون المراد به عم الحسن بن محمد بن سماعة، و هو لم يوثق، و لكن الصحيح أن يقال: إنه لو ثبت وجود عم لجعفر بن محمد بن سماعة، فهذا لا يوجب التوقف في صحة رواية كان في سندها جعفر بن سماعة فضلا عما إذا احتمل ذلك، و الوجه في ما ذكرناه أمران

لو ثبت وجود عم لجعفر بن محمد بن سماعة این عبارت باید به این شکل می آمد: لو ثبت وجود عم للحسن بن محمد بن سماعة باسم جعفر

مرحوم آقای خویی می فرماید: حتی اگر ثابت شود که «حسن بن محمد بن سماعه» عمویی به نام جعفر داشته است، باز هم نمی توان گفت «جعفر بن سماعه»ای که «حسن بن محمد بن سماعه» از او نقل می کند، عمویش می باشد و سپس دو تقریب برای اثبات این ادعا بیان می کند:

# تقریب اول مرحوم آقای خویی

«جعفر بن سماعه» ( عموی حسن بن محمد بن سماعه) بر فرض ثبوت، از روات مشهور و ارباب کتب نمی باشد؛ اما «جعفر بن محمد بن سماعه» چنان که مرحوم نجاشی بیان کرده است، کتاب نوادر کبیر دارد.

از طرف دیگر روایات «حسن بن محمد بن سماعه» از «جعفر بن سماعه» در هیچ موردی با عنوان «جعفر بن محمد بن سماعه» وارد نشده است و همه با عنوان «جعفر بن سماعه»[[2]](#footnote-2) وارد شده است مگر آن دو روایتی که در استبصار آمده است و مرحوم تستری نیز در قاموس الرجال بیان کرده بود که این دو روایت در تهذیب و کافی به صورت جعفر بن سماعه وارد شده است.

مرحوم آقای خویی می فرماید: اگر «جعفر بن سماعه» منصرف به «جعفر بن محمد بن سماعه» نباشد، لازمه اش آن است که «حسن بن محمد بن سماعه» از کسی که کتابش را روایت نمی کند، روایات فراوانی داشته باشد و از کسی که کتابش را روایت می کند، هیچ روایتی نداشته باشد. بعید است که شخصی از صاحب کتاب روایت نکند و از غیر صاحب کتاب، روایات آن کتاب را روایت کند.

# تفسیر کلام مرحوم تستری

مرحوم تستری می فرماید: مرحوم نجاشی اشتباه کرده است و «جعفر بن محمد بن سماعه» وجود ندارد. اما توضیح نداده است که چطور چنین ادعایی می کند.

کلام مرحوم تستری را باید به این صورت توضیح داد که صاحب کتاب همان کسی است که «حسن بن محمد بن سماعه» از او نقل می کند؛ یعنی نجاشی تخیل کرده است که صاحب کتاب برادر «حسن بن محمد بن سماعه» است؛ در حالی که عمویش بوده است. با این حال شخصی را که نجاشی توثیق می کند، همان صاحب کتاب است و فقط در نام دقیق او اشتباه کرده است و او را برادر «حسن بن محمد بن سماعه» دانسته است.

در نتیجه فرقی نمی کند که صاحب کتاب را برادر «حسن بن محمد بن سماعه» بدانیم یا عموی او بدانیم؛ زیرا در هر صورت ثقه می باشد. در این صورت کلام مرحوم تستری و مرحوم آقای خویی در نتیجه تفاوتی نخواهند داشت و هر دو روایات «جعفر بن سماعه» را معتبر خواهند دانست.

البته وجهی ندارد به مجرد این که در روایات، «جعفر بن محمد بن سماعه» وارد نشده است، گفته شود، نجاشی اشتباه کرده است.

مثلا نجاشی، ابن قولویه معروف را با عنوانِ «جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه» ترجمه کرده است در حالی که در اسناد، «جعفر بن محمد بن قولویه» می باشد.

ابن نوح سیرافی با عنوان «احمد بن علی بن محمد بن احمد بن عباس بن نوح» معرفی شده است که در کتب حدیثی با این عنوان نیامده است و با ضمیمه کردن سندهای مختلف عنوان کاملش به دست آمده است.

اختصار در نسب در اسناد بسیار شایع بوده است و نمی توان از این راه نجاشی را تخطئه کرد.

# تقریب دوم مرحوم آقای خویی

شیخ در مشیخه‌ی تهذیب و استبصار فرموده است که در تهذیب و استبصار از کتاب کسی که سند را با نام او آغاز می کند، نقل می کند. دو روایتی که در استبصار می باشد، به این صورت می باشد:

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حُذَيْفَةَ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعَبْدُ لَا يَرِثُ وَ الطَّلِيقُ لَا يَرِثُ.[[3]](#footnote-3)

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ خَالِدٍ الْعَاقُولِيِّ عَنْ كَرَّامٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي رَجُلٍ لَاعَنَ امْرَأَتَهُ وَ انْتَفَى مِنْ وَلَدِهَا وَ أَكْذَبَ نَفْسَهُ بَعْدَ الْمُلَاعَنَة...[[4]](#footnote-4)

در تهذیب و کافی به جای «جعفر بن محمد بن سماعه»، «جعفر بن سماعه» ذکر شده است.

این دو روایت با حسن بن محمد بن سماعه آغاز شده اند؛ بنابراین شیخ طوسی این دو روایت را از کتاب حسن بن محمد بن سماعه ذکر کرده است.

آقای خویی می فرماید: در کتاب «حسن بن محمد بن سماعه» یا تعبیر «جعفر بن محمد بن سماعه» بوده است و این که در کافی و تهذیب به «جعفر بن سماعه» تبدیل شده است به این دلیل است که این دو یک نفر بوده اند یا بالعکس؛ یعنی در کتاب «حسن بن محمد بن سماعه»، تعبیر «جعفر بن سماعه» بوده است و شیخ در استبصار به دلیل انصراف «جعفر بن سماعه» به «جعفر بن محمد بن سماعه»، نام او را با عنوان کامل آورده است؛ بنابراین مراد از «جعفر بن سماعه»، «جعفر بن محمد بن سماعه» می باشد.

بعید است شیخ طوسی در استبصار مجددا به منبع اصلی مراجعه کرده باشد. شیخ طوسی در تالیف استبصار به طور معمول از تهذیب استفاده کرده است. تمام روایات ابوابی که این دو روایت در استبصار ذکر شده اند به ترتیبی است که در تهذیب آمده است. توضیحات ذیل روایات نیز همانند توضیحات تهذیب است.

در نتیجه بعید نیست شیخ طوسی سهو کرده باشد و با توجه به این که ابتدای سند «حسن بن محمد بن سماعه» می باشد، موجب شده است جعفر بن سماعه را جعفر بن محمد بن سماعه تعبیر کند. این احتمال طبیعی تر از احتمالات مرحوم آقای خویی است.

شیخ طوسی نسبت به عناوین مصادر تحفظ خاصی دارد و به ندرت عنوان منابع را تغییر می دهد و اگر تغییری رخ داده است، نا خود آگاه بوده است. مثلا گاهی در روایتی که از کافی گرفته است، عنوان «علی» را به «علی بن ابراهیم» تبدیل کرده است که به دلیل ذهن نا خود آگاه او بوده است و تعمدا نام او را کامل نکرده است.

شیخ کلینی چنین تحفظی نسبت به عناوین مصادر نداشته است؛ مثلا عنوان «اسماعیل ابی زیاد» را که در منبع بوده است، به «سکونی» تبدیل کرده است. یا عنوان «جعفر» را به «ابی عبدالله» علیه السلام تبدیل کرده است. یا در محاسن عنوان «ابی یوسف» آمده است و مرحوم کلینی آن را به «یعقوب بن یزید» تبدیل کرده است. مرحوم کلینی به تعبیر ما، عنوان ها را تبدیل به عنوان معیار می کند و یکسان سازی انجام می دهد. اما روش شیخ طوسی چنین نبوده است و نسبت به منابع، تحفظ خاصی داشته است. این تحفظ در حدی است که گاهی ضمائری را حفظ کرده است، بدون آن که مرجع آن مشخص باشد. از دلایل این تحفظ می تواند سرعت عمل شیخ باشد که فرصت یکسان سازی نداشته است.

بنابراین بسیار مستبعد است که مرحوم شیخ طوسی در تهذیب یا استبصار تعبیر «جعفر بن سماعه» را به «جعفر بن محمد بن سماعه» تبدیل کرده باشد یا بالعکس.

مرحوم آقای خویی در ادامه می فرماید: مرحوم نجاشی در ترجمه‌ی معلی بن موسی الکندی چنین تعبیری دارد:

«هو جد الحسن بن محمد بن سماعة، و إبراهيم أخوه»[[5]](#footnote-5)

و به جعفر اشاره ای نکرده است. بعضی با توجه به این عبارت گفته اند که جعفر برادر حسن نبوده است.

مرحوم آقای خویی این کلام را توهم فاسدی می داند. زیرا «حسن بن محمد بن سماعه»، «حسن بن محمد بن سماعة بن موسی بن روید بن نشیط الحضرمی» می باشد. ظاهر کلام نجاشی که «معلی» را جد «حسن بن محمد بن سماعه» دانسته است، جد بلا واسطه می باشد و حال آن که جد «حسن بن محمد بن سماعه»، سماعه می باشد؛ در نتیجه معلی باید جد مادری باشد و ممکن است جد مادری جعفر نباشد؛ زیرا امکان دارد مادر جعفر و مادر حسن متفاوت باشند.

احتمال دیگری وجود دارد که بسیاری از معضلات را حل می کند. ممکن است محمد بن سماعه همسری داشته که جعفر از او متولد شده است، سپس همسر محمد بن سماعه وفات نموده یا طلاق داده شده است و محمد بن سماعه با زن دیگری ازدواج کرده باشد و حسن متولد شده باشد و جعفر پس از وفات مادرش، نزد پدر بزرگش ( سماعه) رفته و با او زندگی کرده باشد؛ به همین دلیل جعفر به سماعه نسبت داده شده است. شبیه همین مطلب در ترجمه‌ی محمد بن سنان نیز وجود دارد. نجاشی از قول نوه‌ی او ابو عیسی محمد بن احمد بن محمد بن سنان نقل می کند:

هو محمد بن الحسن بن سنان مولى زاهر تُوُفِّي أبوه الحسن و هو طفل و كفله جده سنان فنسب إليه‏[[6]](#footnote-6)

این احتمال جدی است که جعفر توسط جدش، سماعه بزرگ شده باشد؛ به همین دلیل جعفر بن سماعه تعبیر می کردند. این که حسن بن محمد بن سماعه در هیچ موردی به برادر بودنشان یا عمو بودن او اشاره نکرده است، به خاطر جدا بودنشان است؛ یعنی ارتباطشان، ارتباط خانوادگی نبوده است و رابطه‌ی استاد و شاگردی داشته اند؛ ممکن است اختلاف سنی زیادی داشته باشند و او را به عنوان برادر تلقی نمی کرده است. معمولا برادرانی که از مادر جدا هستند روابطشان خیلی صمیمی نیست. شاید نکته‌ی عدم ارث بردن برادران پدری در صورت وجود برادران پدر و مادری همین نکته باشد.

این احتمال همه‌ی مشکلات را حل می کند و نیازی نیست این احتمال اطمینانی باشد؛ همچنین همه‌ی اشکالاتی که مرحوم تستری بیان می کرد، حل می شود. این که چرا در هیچ سندی، جعفر بن محمد بن سماعه ذکر نشده است، به خاطر معروف نبودنش به این نام می باشد و به جعفر بن سماعه معروف بوده است.

1. كمال الدين و تمام النعمة، ج‏2، ص: 335 [↑](#footnote-ref-1)
2. البته بعضی با عنوان جعفر وارد شده است که در بحث ما دخالتی ندارد. [↑](#footnote-ref-2)
3. [استبصار، شیخ طوسی، ج4، ص178.](http://lib.eshia.ir/11002/4/178/%D8%AC%D8%B9%D9%81%D8%B1) [↑](#footnote-ref-3)
4. [استبصار، شیخ طوسی، ج4، ص179.](http://lib.eshia.ir/11002/4/179/%D8%AC%D8%B9%D9%81%D8%B1) [↑](#footnote-ref-4)
5. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص417.](http://lib.eshia.ir/14028/1/417/%D8%B3%D9%85%D8%A7%D8%B9%D8%A9) [↑](#footnote-ref-5)
6. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص328.](http://lib.eshia.ir/14028/1/328/%D8%B7%D9%81%D9%84) [↑](#footnote-ref-6)